

مدرسه علمیه معصومیه

مقاله درس فقه

بررسی فقهی آیه ((و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل)) از منظر چند فقیه

توسط:

حمیدرضا شفقتی

استاد راهنما:

حاج آقای محمودی

بهار ۱۴۰۳

رسالة محمد

چکیده

مال، قوام زندگی است و اگر درست از آن استفاده شود، منشأ خیر و سعادت برای انسان می گردد و اگر ناصحیح و غیر مشروع به کار گرفته شود، موجب هلاکت و نابودی خواهد بود. از این روی، استفاده های ناروا و تصرفات ظالمانه و غاصبانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، معاملات ضرری و غرری، رشوه، ربا و در یک کلام (اکل مال به باطل) به معنای عام و وسیع آن، سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه اسلامی است. جامعه ای که افراد آن، به راحتی حقوق یکدیگر را زیر پا می گذارند و آزمندانه در اموال دیگران تعدی می کنند و در پی کسب درآمد فزونتر هستند بی هیچ پروایی در حرام و حلال آن تیشه به تیشه زندگی سالم و حیات طیبه امت می زنند. در حقیقت، هم خود را به نابودی می کشند و هم دیگران را. زیرا کشتی را سوراخ می کنند که خود بر آن سوارند. آمدن جمله: (ولا تقتلوا انفسکم) در ذیل آیه: (لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل)، اشاره ای گویا به همین واقعیت است. در منابع اسلامی، به موازات تأکید بر اصل تحقق عدالت اجتماعی و نقش آن در حیات سالم و رسیدن انسان به کمال، بر بهره گیری صحیح از اموال، به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف، تأکید شده است و حرکت های ناسلام اقتصادی و اجحافها و برخوردهای ظالمانه و دغل کارانه، مردود شمرده شده اند و به این کار (اکل مال به باطل) گفته می شود.

واژه های کلیدی:

اکل مال به باطل، تجارت باطل، معاملات غریبی

فهرست مطالب

فصل ۱ - مقدمه ۳

۱-۱ - مفردات قاعده ۴

۱-۱-۱ - اکل ۴

۲-۱-۱ - مال ۴

۳-۱-۱ - باطل ۵

فصل ۲ - بررسی نظر فقها و تفاوت آرای آنها ۹

۱-۲ - جایگاه قاعده نزد مفسرین ۱۰

۲-۲ - آرای فقها ۱۳

۱-۲-۲ - خوردن مال دیگری بدون مجوز ۱۳

۲-۲-۲ - خرید و فروش آلات عبادات، صلیب و صنم ۱۴

۳-۲-۲ - خرید و فروش میته ۱۴

۴-۲-۲ - اکل باطل در خیار عیب ۱۴

۵-۲-۲ - اکل باطل در بیع فضولی ۱۵

فصل ۳ - نتیجه‌گیری ۱۶

مراجع ۱۸

فصل ۱- مقدمه

۱-۱- مفردات قاعده

۱-۱-۱- اکل

أكل در لغت به معنای خوردن است. در مفردات راغب اصفهانی واژه أكل، خوردن غذا معنا شده است.

صاحب تفسیر المیزان میگوید: منظور از أكل، گرفتن یا مطلق تصرفات است و کاربرد آن در این معنی مجازی است و به خاطر این است که خوردن، ابتدایی ترین افعال طبیعی انسان است و اولین تصرفی را که انسان از روی شعور انجام میدهد، همین خوردن است و أكل در غیر لغت عربی هم گرفتن و تصرف کردن معنا می‌دهد.

بعضی از محققین حقوق اسلامی در معنای واژه أكل می‌نویسند: منظور از أكل، خوردن و فرو دادن لقمه و یا مطلق خوردن نیست بکه معنای لغوی این کلمه بر حسب آنچه مفسرین گفته‌اند مطلق تصرف است نه خصوص خوردن. به نظر اینجانب، مقصود خصوص تصرف حقیقی هم نیست، بلکه معنایی مورد نظر است که شامل تصرفات اعتیابی یعنی تملک و تصاحب هم می‌شود. (گرجی، ۱۳۸۳: ۲۴)

بعضی دیگر آورده‌اند که أكل به هر آنچه انسان در آن تصرف نموده و یا مصرف می‌کند، گفته می‌شود، از این رو معنای گسترده‌ای دارد. برخی از مفسرین به خاطر وضوح معنای أكل از شرح و تفسیر این واژه خوددایی نموده و به همان معنای عرفی در درک کردن این لغت، اکتفا کرده‌اند.

بنابراین در جمع‌بندی واژه أكل با توجه به تعاریف فوق، می‌توان گفت که أكل شامل تمامی تصرفات، انتفاعات و استفاده‌ها در محاورات عرفی است. به عبارت دیگر، أكل بر معنای اعمی دلالت دارد و به هر نوع تصرف مالکانه‌ای گفته می‌شود.

۱-۱-۲- مال

به هر چیزی که دارای منفعت حلال و ارزش مبادله باشد، «مال» اطلاق شده و معامله آن صحیح است. شیخ انصایی (قدس سره) علاوه بر آنکه در مواضع مختلفی، جواز معامله را بر «منفعت محله مقصوده» منوط نموده، ملاک مالیت را داشتن منافع محله مقصوده عرفی می‌داند. علامه حلی (قدس سره) نیز ضمن تاکید بر لزوم اشتراط مالیت در عوضین، مبادله چیزی را که منفعت عقلایی ندارد، از مصادیق باطل می‌شمارد.

بر این اساس، خرید و فروش اشیائی که منافع حلال عقلایی و ارزش مبادله ندارند و یا از سوی شرع حرام و ممنوع شده‌اند، باطل و تحصیل درآمد و کاسبی با آنها، «اکل مال به باطل» می‌باشد. لازم به ذکر است همان‌طور که شیخ انصایی (قدس سره) فرمود، ملاک مالیت داشتن، تشخیص عرف است. در واقع، عرف هر چیزی که برای بشر مفید و دارای منفعت بوده و بتواند یکی از نیازهای وی را برآورده کند و همچنین مورد رغبت عقلا نیز باشد، مال می‌داند؛ چه آن شیء از امور تکوینی مثل لباس، غذا و مسکن باشد و چه از امور اعتباری مثل اسکناس؛ چه از سنخ اعیان باشد و چه از سنخ افعال. البته اگر دلیلی از جانب شرع رسیده باشد و مالیت شیئی را نفی یا اثبات کند، بر عرف مقدم خواهد شد. به همین دلیل، فقها برای امثال خمر و خنزیر، قائل به مالیت نیستند. باید توجه داشت که حکم عرف به عدم منفعت، ناشی از دو امر است: قلت و کمی مانند یک دانه گندم و خست و پستی مانند حشرات. ما اینکه وفور و رایگانی نیز موجب از مالیت افتادن بشود، صحیح نیست.

۱-۱-۳- باطل

این کلمه در مقابل حق است و درباره آن گفته شده است: هر چیزی کزه حق نباشد باطل خواهد بود. بعضی آورده‌اند، باطل چیزی است که هنگام بحث و فحص، حقیقت و ثباتی نداشته باشد. باطل از پیشه‌ی بطل به معنای نابودی، ناپایدایی و ضد حق است و هر چیزی که حق نباشد، باطل خواهد بود. صاحب تفسیر المیزان می‌نویسد: معنای باطل، مقابل معنای حق یعنی امیی که یک حالت ثبوت و تحقق دارد، می‌باشد. مرحوم طرسی هم می‌نویسد: باطل چیزی است که از بین می‌رود.

نکته مهمی که باید در قاعده مورد بررسی قرار گیرد، سنجه و ملاک باطل است. با جستجو در کلام فقها، به دست می‌آید که دو نوع باطل وجود دارد: باطل شرعی (واقعی) و باطل عرفی. (عقلایی) باطل شرعی (واقعی) به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام و به بطلان آنها تصحیح شده باشد، گفته می‌شود. (رشوه، سرقت، قمیاری، غصب و ...) اما باطل عرفی (عقلی) به تمام چیزهایی گفته می‌شود که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد. به عبارت دیگر، به آنچه از لحاظ عقلایی ناپسند و قبیح باشد، باطل عرفی گفته می‌شود.

بنابراین، با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی، پرسش اساسی این است که منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل را همان قاعده اکل مال به باطل کدام نوع است؟ به عبارت دیگر، قاعده اکل مال به باطل، صرفاً باطل شرعی را در بر می‌گیرد یا اینکه هر دو قسم باطل شرعی و عرفی را شامل می‌شود. در پاسخ این سؤال، باید گفت که بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها، باطل را صرفاً باطل شرعی میدانند، از این رو معتقدند قاعده میکور فقط باطل‌هایی را که در آیات و روایات یعنی شرع بیان شده است، شامل می‌شود. به عنوان مثال رباخواری، رشوه‌گیری، خوردن مال یتیم، قماربازی و ... ولی در مقابل بعضی دیگر از فقها، باطل در قاعده را شامل هر دو قسم میدانند.

نویسنده مصباح الفقاهه از معتقدان باطل شرعی (واقعی) در مورد قاعده نوشته است که آیه حرمت اکل مال به باطل، بیانگر باطل شرعی (واقعی) است، نه باطل عرفی. به تعبیر دیگر، ایشان معتقد است که هرچه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است. صاحب کنز العرفان، ذیل آیه ۲۹ سوره نساء، مینویسد که باطل در قاعده شامل هر آنچه شارع آن را مباح نکرده است، میشود؛ از جمله غصب، سرقت، خیانت و عقود فاسد. (فاضل مقداد، بی تا، ج ۲: ۳۱) بنابراین، ایشان هم به نوعی معتقد به باطل شرعی (واقعی) میباشد.

بعضی از فقهای دیگر آورده‌اند در جایی که در مورد بطلان را عدم بطلان امری از شرع مقدس نص و یا مصادیقی نباشد، جهت تشخیص و فهم باطل به عرف مراجعه میشود. صاحب انوار الفقاهه، بعد از بیان کلیت و عمومیت باطل می‌گوید: ((بالجملة، المراد بالایه النهی عن اكل المال بكل ما يعد باطلا

عرفا کالغصب و الرشاء و التطفیف و غیرها)) بنابراین اساس استدلال آیشدان، بر عرفی بودن باطل استوار است. ایشان در نقد کسانی که به باطل واقعی (شرعی) معتقد هستند، آورده است که اگر مراد از باطل، باطل شرعی (واقعی) باشد، فایده آیات حرمت اکل مال به باطل، فی کاته به چند مورد که در شرع بیان شده، محدود و منحصر می‌شود و در نتیجه بسیاری از موارد باطل را در بر نمی‌گیرد، حال آنکه همان طور که گفتیم باطل دارای معنا و مفهوم عام و وسیعی است که به مصادیق خاصی محدود نمی‌شود.

امام خمینی هم در مورد مالک و مناط باطل می‌نویسد: ((هذا کل بناء علی ان المراد با الباطل هو المعنی العقلایی و العرفی کما هو ظاهر کل عنوان اخذ فی موضوع الاحکام))

به غیر از باطل شرعی، بر باطل عرفی هم استوار (ره) بنابراین، اساس استدلال امام است. ایشان در نقد نظریه باطل شرعی می‌گوید: ((و اما لو ارید به ما هو بغیر الوجه الشرعی کما قال به الاردبیلی، فیسقط الاستدلال بها علی البیع فضلا عن غیره، لانه مع الشک فی اعتبار شیء فیہ تصویر الشبهه مصداقیه لکنه احتمال ضعیف))

اما نکته‌ای که تذکر آن لازم است اینکه تشخیص و فهم باطل، زمانی به عرف واگذار میشود که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری، از ناحیه شرع، نصی در دست نداشته باشیم و یا مصادیق و موارد آن بیان نشده باشد، زیرا اگر بطلان یا عدم بطلان امری از ناحیه شرع، مسلم و قطعی باشد، دیگر جای بحث و تردید نیست، خواه عرف آن را باطل بداند یا نداند، لذا فهم عرف در صورتی کارساز است که شرع، نسبت به آن ساکت باشد. بنابراین در خصوص باطل و مالک آن در میرابیم که:

۱. باطل به هر آنچه که ناحق و بدون جهت و بی‌اساس باشد گفته میشود؛
۲. ملاک باطل، باطل عرفی است و شامل هر آن چیزی است که عرفاً باطل نامیده میشود، زیرا اگر باطل، باطل شرعی باشد، در این صورت محدود به چند مورد خاص در شرع میشود که به نظر میرسد با قاعده کلی اکل مال به باطل و آیات مربوطه سنخیت ندارد و باید گفت که باطل مفهوم گسترده‌ای دارد و شامل هر نوع مال و فعالیتی که از نظر عرف ناحق و بدون جهت می‌باشد، می‌شود؛

۳. با قرار دادن معنای باطل بر مبنای عرف، قاعده اُکل باطل می‌تواند بطلان معاملات جدید و درآمد حاصل از جرائم اقتصادی نوین را نیز شامل شود.

جمع‌بندی: با توجه به نکات پیش گفته در مفردات قاعده، حاصل می‌شود که هر استفاده و تصرف در اموالی که به صورت ناحق و نامشروع باشد، در قلمرو قاعده اُکل باطل قرار گرفته و حرام و باطل می‌باشد و شناسایی مصادیق ناحق و باطل بودن هم، بر مبنای عرف است، زیرا امروزه مسائل جدید و مستحدثه ای وجود دارد که در شرع ذکری از آنها نشده است، اما با توجه به عرفی بودن مصادیق اُکل باطل، ناحق و جرم شناخته می‌شود. فعالیت‌هایی مانند پولشویی، شرکت‌های هرمی و... که در شرع پیرامون آنها صراحتاً حکمی وجود ندارد، اما در فتاوی علمای دیدگاه صاحب نظران و قانون گذار حرام و جرم و درآمد حاصل از آن باطل شناخته شده است، دلالت بر آن دارد که باطل در قاعده بر مبنای عرف جامعه می‌باشد. نتیجه اینکه قلمرو قاعده اُکل مال به باطل، صرف در موضوعات شرعی نیست و دارای شمول و گستردگی بوده و تمامی درآمدها و معاملات نامشروع و باطل نوین را در بر می‌گیرد.

فصل ۲- بررسی نظر فقها و تفاوت آرای آنها

۲-۱- جایگاه قاعده نزد مفسرین

در این قسمت برای تبیین مبانی و جایگاه قاعده، به طور گسترده به بحث تفسیری آیات اکل مال به باطل، از دیدگاه مفسرین شیعه و سنی پرداخته میشود. مرحوم شیخ طوسی، ذیل آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره در مورد اکل مال به باطل دو معنا ذکر می‌کند. بر این اساس، مرحوم شیخ طوسی در مقام بیان مصادیق مهم اکل مال به باطل، یکی تصرف و تصاحب اموال دیگران از راه ظلم و تعدی مانند سرقت، غصب، خیانت و... و دیگر تملک از راه رضایت غیر مشروع مثل انتقال از راه قمار و... را برمی‌شمرد. مرحوم فیض کاشانی، در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره، تصرفات و تملکات از طریق باطل را در زمره امور غیر محلل و غیر مشروع قرار می‌دهد. ایشان پدس از ذکر روآیت‌هایی درباره مصادیق باطل می‌گوید: ((آیه، همه را در می‌گیرد و بین اخبار، تنافی وجود ندارد.))

مرحوم علامه طباطبایی در توضیح آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره معتقد است که تمام اموال متعلق به جمیع مردم است، اما خداوند از راه وضع قوانین عادلانه اموال را بین مردم تقسیم کرده تا تصرف و مالکیت آنها به حق تعدیل شود و در نتیجه ریشه های فساد قطع گردد و تصرفات خارج از آن قوانین، باطل است. ایشان همچنین آورده که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در بر می‌گیرد و ذکر قمار و امثال آنها (ربا، رشوه و...) در بسیاری از روایات، از باب انحصار نیست، بلکه در حقیقت از باب بیان مصداق است. بنابراین آیه بیانگر آن است که هر تصرف یا دارا شدنی که مطابق با شرع نبوده و از طریق اسباب غیر قانونی حاصل شود، باطل و غیر حق است.

بر اساس دیدگاه علامه، قاعده اکل باطل، قاعده‌ای است کلی که شامل تمامی موارد باطل و غیر قانونی می‌باشد و اختصاص به موارد خاص در آیات و روایات ندارد. به عبارت دیگر، باطل در آیه اعم از باطل شرعی و عرفی است. صاحب تفسیر الکبیر هم قائل به عمومیت باطل بوده و می‌نویسد: ((و کل هذه الاقسام داخله تخت قوله: و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل.))

مرحوم طبرسی ذیل آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره بعد از بیان وجوه و احتمالاتی نظیر رباخواری، رشوه گیری، غصب و تصرفات عدوانی، مبادالت غیر مشروع و فاسد و... در مورد معنا و مفهوم باطل، میگوید: ((و الاولی حمله علی الجمیع لان الایه تحتمل الكل))

جصاص نویسنده تفسیر احکام القرآن، در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره، ضمن بیان انواع اکل مال به باطل آورده است، هر چیزی که تملککش جایز نباشد (اسباب غیر مشروع) هر چند صاحب مال خود به این انتقال رضایت بدهد، در زمره اکل مال به باطل است.

بعضی مفسرین، ذیل آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء نوشته‌اند: خداوند تبارک و تعالی بندگان مؤمنش را از اینکه بعضی از آنها، اموال دیگری را به باطل می‌خورند، نهی فرموده است؛ یعنی به واسطه انواع معاملاتی که غیر شرعی است نظیر ربا، قمار و هر آنچه که در همین مجرا جریان داشته باشد از سایر گونه‌های حيله و نیرنگ، هرچند که آن معامله‌ها در قالب حکم شرعی، ظاهر و نمایان شوند.

بر این اساس، ابن کثیر هم قائل به معنای وسیعی برای باطل است و آن را به موارد خاصی محصور نمی‌کند. قرطبی در تفسیر آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء، انواع اکل مال به باطل را مطرح مینماید و از اقسام آن، تصرف به غیر رضای مال و تصرفاتی که مورد تایید شرع نمی‌باشد مثل بهای خمر و خنزیر را نام می‌برد. وی آورده است که اکل مال به باطل یعنی اکل به غیر حق که شامل جمیع اسباب فاسد، حرام و نامشروع می‌باشد.

صاحب جامع البیان، ذیل آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء، مواردی همچون قمار و ربا و به طور کلی آنچه را که شارع از آن نهی نموده، در زمره باطل آورده و میگوید خداوند با بیان این آیه، درصدد بیان این موضوع است که شما مسلمانان نباید اموال دیگران را به باطل بخورید. همچنین ذیل آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره می‌نویسد: ((أكل به باطل یعنی اکل به غیر از وجهی که شارع مباح نموده است.))

صاحب تفسیر اثنی عشری، در تفسیر آیه ۲۹ سوره نساء، تمام چیزهایی را که در شریعت حرام و نامشروع است، مثل غصب، ربا، قمار، خیانت، سرقت، قسم دروغ و... زیر مجموعه اکل مال باطل میدانند. بنابراین ایشان معتقد است، نهی در آیه شریفه، تمام تصرفات باطل و غیر مشروع را شامل می‌شود.

آلوسی در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره آورده است، نهی در آیه شریفه، شامل هر آنچه که به غیر حق در اختیار افراد قرار گیرد، می شود و هر آنچه تصرفات و تلمذاتی که شارع آن را جایز نمیداند، اکل مال به باطل محسوب میشود. او در تفسیر ((باطل)) میگوید: ((مراد من الباطل، الحرام كالسرقة و الغصب و كل ما لم یاذن باخذ الشرع))

صاحب تفسیر المنار نیز ذیل آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره، بعد از بیان مصادیقی از اکل مال به باطل، مینویسد: ((و یدخل فیه سایر ضروب التعدی، غش و الغش و الاحتیال...)) به نظر ایشان، تمام شکل های تعدی، غش در معاملات، حيله، نیرنگ و تقلب نیز داخل در معنای اکل مال به باطل است. استاد مدیر شانچی، نویسنده کتاب آیات الاحکام در تفسیر آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء، تمام تصرفات و تلمذات نامشروع خواه به واسطه غصب و سرقت یا در نتیجه معامله فاسد یا ربا و غیره را جزو باطل میدانند.

قرآن به عنوان اصلی ترین منبع شرعی، نه تنها به ذکر موارد خاص و اشاره به اسباب استفاده از مال غیر بدون جهت پرداخته، بلکه در آیات ۱۸۸ سوره مبارکه بقره و آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء قاعده کلی اکل مال به باطل را تاسیس و اثبات نموده است. بنابراین بر اساس مفهوم و مضمون هر یک از دو آیه و تفاسیر گسترده ای که بیان شد، این موارد، حاصل میشود:

۱. منظور از اکل، مطلق تصرفات و تلمذات است؛
۲. منظور از مال هر چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل میشود؛
۳. منظور از باطل، مطلق تصرفات و تلمذات ممنوع، حرام و نامشروع مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دروغ و... است.

از نظر اسلام هرگونه تصرف در اموال و دارایی ها باید براساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هرچیزی که خارج از این اصل باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و ((باطل)) به دلیل عمومیت و اطلاقش، همه را شامل می شود. حتی مطابق آنچه برخی گفته اند، گستردگی معنای باطل نیز همین

معنا را اقتضا میکند. نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب، بلکه صرف و خرج کردن آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است. از طرفی در جامعه اسلامی، هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع بایستی با معیارهای صحیح و مشروع، انجام پذیرد.

بر اساس دیدگاه مفسرین حاصل شد که ((باطل)) محدود و منحصر به مصادیق خاصی نیست، بلکه مفهومی گسترده و عام دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و حتی تصرف‌های ناروا و غیر مشروع در اموال خویش و نیز هرچه که غیر حق باشد، باطل شمرده میشود، به طوری که یکی از ادله مهم حرمت و عدم مشروعیت مسائل جدیدی از جمله شرکت‌های هرمی (گلدکوئیسذت) و جرائم اقتصادی (پولشویی و...) همین قاعده میباشد.

۲-۲- آرای فقها

از آنجا که منبع استنباط هر فقهی، قواعد و اصول قرآنی و سنت معصومین میباشد، طبیعی است که مسئله حرمت اکل مال به باطل به عنوان یک اصل مورد توجه فقها قرار گرفته و منشا آرای آنها واقع شود. باید گفت که قاعده اکل مال به باطل در حقوق اسلام و نظام اقتصادی کاربرد فراوانی داشته است و با مراجعه به موضوعات متعدد در ابواب فقهی از جمله تجارت، بیع، غصب و... دیده میشود که فقها برای اثبات حکمی، صریحاً و واضح به این قاعده تمسک کرده‌اند. همان طور که در مکاسب شیخ انصایی، که یکی از آثار برجسته و مهم فقهی است، در باب مکاسب محرمه، در بسیاری موارد از جمله فروش انگور جهت ساخت خمر و را اجاره دادن خانه جهت درست کردن خمر و یا اجاره دادن وسیله‌ای جهت حمل خمر اخذ اجرت در قبال عمل واجب عینی تعیینی تبیی نمودن بایع از عیبی چیزی که با آن عیب دیگر قیمت و ارزشی نداشته اشد و... به این قاعده استناد کرده است.

در این بخش، نخست برخی از موضوعات و مسائل فقهی که فقهای شیعه در آنها به این قاعده

استناد کرده‌اند، ذکر میشود.

۲-۲-۱- خوردن مال دیگری بدون مجوز

شهیدین در لمعه میفرمایند: ((الحادیه عشر: لا يجوز لاحدا اكل من مال غيره ممن يحترم ماله و ان كان كافرا او صبیا او غيره من الفرق بغير اذنه، لقبح التصرف فی مال الغير كذلك و لانه اكل مال به الباطل.))

شهیدین با استناد به قاعده اكل مال به باطل، خوردن مال غیر را باطل و حرام می‌دانند.

۲-۲-۲- خرید و فروش آلات عبادات، صلیب و صنم

دلایل متعددی بر نهی خرید و فروش آلات عبادات، صلیب و صنم وجود دارد، از جمله اینکه صلیب، صنم و آلات عبادات از نظر شرعی با همان هیئت خاص، مالیت و ارزش ندارند و اگر چیزی مالیت نداشته باشد، پرداخت مال در مقابل آنها، بذل در برابر امر باطل و بی‌فایده است و اكل ثمن در مقابل آنها، اكل مال به باطل است.

۲-۲-۳- خرید و فروش میته

از دیدگاه فقها، خرید و فروش میته و اجزا آن شرعاً جایز نیست و معامله بر میته و اجزای آن هم حرام است. از جمله دلایل ویژه‌ای که فقها به حرام بودن معامله میته استناد کرده‌اند، قاعده اكل مال به باطل است.

۲-۲-۴- اكل باطل در خیار عیب

در خیارعیب، اگر فروشنده‌ای در فروش مبیعی از عیوب آن براءت بجوید و بعداً عیبی در آن مبیع حاصل شود، مشتری حق خیار عیب برای فسخ ندارد، ولی اگر مبیع تماماً معیوب باشد به طوری که هیچ ارزشی نداشته باشد (مالیت نداشته باشد) در این صورت، این براءت از عیوب اثری ندارد و معامله باطل محسوب می‌شود و همین مشتری، باید مسترد گردد، زیرا در عقود معوض، باید ثمن و مثنم مبادله شود؛ حال آنکه مبادله یکی از عوضین بدون عوض مقابل، خلاف عقود معوض است، لذا تصاحب و تملك ثمن، اكل مال به باطل محسوب می‌شود، زیرا اساس عقد بیع بر اساس تبادل عوضین است حال

آنکه در یک طرف عوضی وجود ندارد، پس عقد بیعی محقق نشده است. بنابراین تملک ثمن بدون سبب شرعی باطل می‌باشد.

۲-۲-۵- اکل باطل در بیع فضولی

شهید ثانی در بحث بیع فضولی در رابطه با رجوع مشتری به بایع فضولی جهت استرداد ثمن می‌گوید: بر اساس قول قوی، مشتری به بایع فضول چه در صورت تلف ثمن و چه بقای آن حق رجوع دارد، زیرا اگر حق رجوع مشتری را به رسمیت نشناسیم و به بایع فضول، اجازه تسلط و تصرف بر مال غیر را بدهیم، در این صورت شکی نیست که تصرف بایع فضول، حرام و باطل است و علت بطلان، قاعده اکل مال به باطل است.

لازم به ذکر است قواعد فقهی مختلفی هم وجود دارد که میتوان آنها را به عنوان قواعد اکل مال به باطل معرفی نمود، زیرا قاعده کلی اکل مال به باطل به عنوان منشا و مبنای این قواعد می‌باشد. مهمترین این قواعد، قاعده ضمان رد و قاعده ضمان مقبوض به عقد فاسد می‌باشد.

۱. قاعده ضمان رد: این قاعده به عنوان یکی از مهمترین قواعد در حوزه مسئولیت و تعهد می‌باشد. به موجب این قاعده، شخصی که بر مال غیر بدون اجازه و مجوز مستولی باشد نسبت به رد عین به مال و در صورت تلف نسبت به مثل را قیمت مال، مسئول بوده و بدون مسترد کردن عین و یا مثل یا قیمت، بریء الذمه نمی‌شود. بنابراین علت مسئولیت متصرف، قاعده اکل مال به باطل است.

۲. قاعده مقبوض به عقد فاسد، مبتنی بر یک قاعده عام و کلی با عنوان ((ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده)) می‌باشد. به موجب این قاعده، ضمان و مسئولیت، ناشی از عقود فاسد است، لذا طرفین نسبت به آنچه اخذی کرده اند، ضامن هستند و تصرف در آن باطل است. بدیهی است که مبنای این قاعده هم، قاعده اکل مال به باطل است.

فصل ۳ - نتیجه گیری

پس از بررسی آیا و نظرات در قاعده اکل مال به باطل و قلمرو آن میتوان به این نتایج اشاره کرد:

۱. قاعده اکل مال باطل یکی از اصول بنیادی در منابع اسلامی به شمار می‌آید و تمام دارا شدن و تصرفات غیر مشروع و غیر قانونی را تحت قلمرو خود قرار می‌دهد. ریشه اصلی این قاعده در آیات قرآن به خصوص آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره می‌باشد که مفسرین شیعی و اهل سنت به طور گسترده به بحث و تفسیر آن پرداخته‌اند.

۲. مسئله حرمت اکل مال باطل به عنوان یک اصل جامع و اساسی در موضوعات فقهی و حقوقی مورد توجه بوده و منشا صدور فتاوای مختلفی از طرف فقها واقع شده است. این قاعده جایگاه ویژه‌ای در روایات دارد تا آنجا که معصومین هم در مورد استفاده‌های بدون سبب شرعی به این قاعده استناد کرده‌اند. همچنین این قاعده کلی در حقوق داخلی به طور ملموس و روشن مورد استفاده قرار گرفته، ولی قانون‌گذار می‌بایست به طور خاص در قانون مدنی آن را ذکر و به عنوان یکی از اسباب تعهد قرار دهد

۳. اصطال اکل در قاعده، دارای معنای عام و کلی است و تمام تصرفات و استفاده‌ها را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر اکل در معنای دارا شدن به کار می‌رود. علاوه بر اکل، مال و باطل هم دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که بر این اساس، مفهومی کلی و وسیع به قاعده اکل باطل می‌بخشد.

۴. ((باطل)) در قاعده، هم باطل شرعی و هم باطل عرفی را عقلی را تحت سیطره و سلطه خود قرار میدهد و اینکه بگوییم قاعده فقط باطل شرعی را شامل می‌شود، به نظر صحیح نیست، زیرا باطل‌های غیر شرعی بسیاری وجود دارد که مشمول قاعده مذکور میشود. به همین خاطر، قاعده مذکور مبنای حرمت و جرم انگذایی بسیاری از مسائل مستحدثه از منظر فقها شده است و صرف مصادیق در شرع را شامل نمیشود.

مراجع

۱. سلیمانی، حمید. سلطانی، عباسعلی. صفایی، مریم. پاییز و زمستان ۱۳۹۵. واکاوی قلمرو قاعده اکل مال به باطل. مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق. شماره ۳۴.
۲. اسماعیلی، اسماعیل. ۱۳۷۳. اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری. فقه. شماره ۱.
۳. ملکی ویری، محمد. زمستان ۱۳۹۷. بررسی معنای حرف «باء» در آیه «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل». فقیهانه. شماره ۹.